

♦♦ درس هفتم: جمعیت جهان ♦♦

در سال ۲۰۲۲ میلادی، جمعیت جهان از مرز ۸ میلیارد نفر گذشت و پیش‌بینی شده در سال ۲۰۵۰ میلادی به حدود ۱۱ میلیارد نفر برسد. در طی ۲۰۰ سال اخیر، رشد جمعیت جهان سیر صعودی پیدا کرد. علت ← کاهش میزان مرگ‌ومیرها به ویژه کودکان در گذشته عده زیادی از مردم در اثر بیماری‌های واگیردار و عفونی، گرسنگی و قحطی و جنگ از بین می‌رفتند.

عوامل کاهش مرگ‌ومیرها در دو قرن اخیر-

- ۱ بهبود بهداشت: با پیشرفت در پزشکی و تجهیزات آن و مهار بیماری‌های واگیردار چون وبا، طاعون و ...
 - ۲ بهبود تغذیه: با پیشرفت کشاورزی صنعتی، افزایش تولید مواد غذایی و با پیشرفت وسایل حمل‌ونقل، انتقال غذا به نواحی دورتر امکان‌پذیر شد.
- جمعیت کاهش می‌یابد \Rightarrow مرگ‌ومیر < موالید
جمعیت ثابت می‌ماند \Rightarrow مرگ‌ومیر = موالید
جمعیت افزایش می‌یابد \Rightarrow مرگ‌ومیر > موالید
- تفاوت میان میزان موالید و میزان مرگ‌ومیر، «رشد طبیعی جمعیت» را نشان می‌دهد.

رشد جمعیت در کشورهای جهان: رشد جمعیت در همه کشورهای یکسان نیست.

رشد منفی جمعیت: اگر درصد رشد جمعیت به کم‌تر از صفر برسد، به آن «رشد منفی» می‌گویند و میزان موالید کم‌تر از مرگ‌ومیرها می‌شود. کاهش رشد جمعیت و رشد منفی در برخی کشورها موجب نگرانی است.

اثرات رشد جمعیت منفی در یک کشور ← افزایش جمعیت سالخورده و از کار افتاده
← محروم شدن جامعه از نیروی جوان برای تحصیل علم، کار و پیشرفت
← کاهش جمعیت کشور

برنامه برخی دولت‌ها برای جلوگیری از کاهش رشد جمعیت ←
۱) اعطای جایزه و کمک مالی به خانواده‌هایی که صاحب فرزند بشوند
۲) واگذاری مسکن
۳) معاف شدن از مالیات
۴) افزایش مرخصی تحصیلی و کاری مادران

پراکندگی جمعیت: جمعیت در کره زمین نامساوی و ناموزون پراکنده شده و در برخی کشورها تراکم جمعیت کم و در برخی تراکم زیاد است.

عوامل طبیعی و انسانی می‌تواند موجب جذب جمعیت به یک ناحیه و یا دفع جمعیت از یک ناحیه شود.

مثال ←
۱) نواحی معتدل، با باران کافی و نقاط حاصلخیز و دارای منابع کافی، از نواحی گرم و خشک یا سرد و مرتفع، جمعیت بیشتری جذب می‌کند. ← عوامل طبیعی
۲) شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها، نواحی صنعتی و زيارتی که امکانات دارند، از مکان‌هایی که فاقد امکانات و تسهیلات هستند یا دچار جنگ و آشوب هستند، جمعیت بیشتری جذب می‌کنند. ← عوامل انسانی

جابه‌جایی جمعیت: یکی از عواملی که موجب افزایش یا کاهش جمعیت یک مکان می‌شود، مهاجرت است.

مهاجرت: رفتن مردم از جایی به جای دیگر برای کار یا زندگی است که به دلایل گوناگونی صورت می‌گیرد.

انواع مهاجرت	
داخلی	مهاجرت در داخل مرزهای کشور
خارجی یا بین‌المللی	مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر
اختیاری	افراد با میل و تصمیم خود برای دستیابی به زندگی بهتر به جای دیگر مهاجرت می‌کنند. مثل مهاجرت مردم اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰ به آمریکا و استرالیا
اجباری	افراد بدون میل خود و به دلایلی چون قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث طبیعی و یا جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند. مثل مهاجرت مردم فلسطین، عراق، سوریه، افغانستان به کشورهای همسایه

افزایش شهرنشینی: (۱) در ۱۰۰ سال اخیر یکی از تغییرات مهم در سکونت مردم جهان، گسترش شهرنشینی بوده است. (۲) در سال ۱۹۵۰، ۲۵٪ مردم جهان در نواحی شهری بوده‌اند اما امروزه بیش از ۵۰٪ می‌باشند. (۳) در همهٔ کشورها، به دلیل مهاجرت مردم از روستاها به شهرها به دنبال کسب درآمد بیشتر و امکانات، شهرنشینی رشد سریعی دارد.

پیامد رشد شهرنشینی بدون برنامه‌ریزی: اغلب شهرهای بزرگ با مشکلاتی چون ترافیک سنگین، آلودگی هوا، افزایش اختلاف طبقاتی، زاغه‌نشینی در حومهٔ شهرها و افراد بی‌خانمان روبه‌رو هستند. امروزه مدیران و برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند راه‌حلهایی برای این مشکلات بیابند که یکی از آنها تقویت امکانات و اقتصاد روستایی است.

نکته

نقاط بسیار پرتراکم در جهان: بنگلادش - آلمان - چین. نقاط بسیار کم‌تراکم در جهان: استرالیا - الجزایر - لیبی و چاد

نکته

برخی از نقاط پرتراکم و کم‌تراکم:

ردیف	نام کشور	تراکم	علت تراکم کم یا زیاد
۱	بنگلادش	زیاد	آب‌وهوا و خاک مناسب برای کشاورزی، باران‌های فراوان و دلتای حاصلخیز بنگال
۲	ژاپن	زیاد	رشد صنعت و شهرنشینی، باران کافی
۳	لیبی و چاد	کم	وجود صحرای بزرگ آفریقا، کمبود آب، نبود خاک حاصلخیز و مواد معدنی، آب‌وهوای گرم و بیابانی
۴	سیبری	کم	سرما و یخبندان و نبود قابلیت کشاورزی
۵	آلمان	زیاد	رشد صنعت و شهرنشینی، آب‌وهوای معتدل
۶	استرالیا	کم	وجود بیابان بزرگ در آن، کوهستانی بودن و آب‌وهوای گرم، خاک نامناسب، دوربودن از سایر قاره‌ها
۷	کانادا	کم	آب‌وهوای سرد و یخبندان

پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان براساس آمار سال ۲۰۲۱:

- ۱ چین ۱,۴۰۶,۴۴۲,۴۹۸
- ۲ هند ۱,۳۹۰,۳۶۲,۰۲۳
- ۳ آمریکا ۳۳۳,۳۲۶,۰۲۴
- ۴ اندونزی ۲۷۷,۰۱۶,۶۷۸
- ۵ پاکستان ۲۲۶,۱۶۰,۲۵۳
- ۶ نیجریه ۲۱۹,۴۶۳,۸۶۲
- ۷ برزیل ۲۱۳,۵۱۰,۴۹۲

عوامل مهاجرپذیر	عوامل مهاجرفرست
۱ آب‌وهوای مناسب	۱ شرایط آب‌وهوایی نامناسب
۲ خاک مناسب و حاصلخیز	۲ جنگ
۳ رشد صنعتی و امکانات رفاهی	۳ قحطی
۴ ثروت	۴ بیماری
۵ فراوانی مواد غذایی	۵ فقر اقتصادی و بیکاری

یکی از عواملی که سبب کاهش جمعیت در برخی نقاط جهان شده است، کشتار یا انتقال اجباری مردم از نقطه‌ای به نقطه دیگر بوده است. مانند: نسل‌کشی برخی بومیان استرالیایی و آمریکایی پس از تصرف آن‌جا به دست اروپاییان، اسارت چند ده میلیون زن و مردان آفریقایی و انتقال آن‌ها به اروپا و آمریکا برای کار، کشتار چند ده هزار نفر از مردم مسلمان در بوسنی و هرزگوین به دست صرب‌ها، کشتار هزاران مسلمان یمنی به دست حاکمان سعودی و ...

پیامدهای اقتصادی نسل‌کشی: کاهش جمعیت در سن کار، کاهش رشد اقتصادی، افزایش بار مالی نیروی کار، کاهش اقتدار سیاسی و به تبع آن ایجاد بحران اقتصادی.

پیامدهای اجتماعی نسل‌کشی: به وجود آمدن شکاف‌های نسلی در اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل‌ها، پایین آمدن نرخ باروری که خود موتور محرک رشد اقتصادی است، کاهش نشاط اجتماعی، تغییر نظام‌های تربیتی.

* * درس هشتم: بی‌عدالتی و نابرابری در جهان * *

نابرابری جهانی یا بین‌المللی

● امروزه بیش از ۲۰۰ کشور در جهان وجود دارد. نابرابری جهانی یا بین‌المللی یعنی تفاوت زیاد بین کشورهای از نظر ثروت و درآمد، کیفیت زندگی مردم و دسترسی به مسکن مناسب، آموزش، بهداشت، اشتغال، گذران اوقات فراغت و

علل و عوامل نابرابری جهانی	
	عوامل خارجی
از چند سده گذشته کشورهای مستکبر و سلطه‌گر مانند انگلستان، آمریکا و فرانسه و ... از طریق استعمار، غارت، چپاول منابع، اشغال نظامی یا دخالت در امور داخلی و جلوگیری از استقلال سیاسی و اقتصادی برخی کشورهای پرداخته و از منابع آن‌ها استفاده کرده و مانع پیشرفتشان شده‌اند که تا امروز ادامه دارد.	
(۱) وابستگی حکومت‌ها به بیگانگان (۲) استبداد (۳) وجود برخی فرهنگ‌ها و عادت‌های غلط مانند تنبلی یا کم‌اهمیت انگاشتن کار و تلاش (۴) نبود مدیریت صحیح و غفلت از استعدادها و ظرفیت‌های داخلی کشور (۵) نبود وحدت و مشارکت بین مردم	عوامل داخلی

- شاخص توسعه انسانی -

در مقایسه کشورهای با یکدیگر، توجه به عوامل اقتصادی کافی نیست و عوامل دیگری که بر کیفیت زندگی انسان اثر می‌گذارند، وجود دارند مثل: عزت، هویت، امنیت و

این شاخص برای پی‌بردن به وضعیت و کیفیت زندگی در کشورها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر با توجه به سه عامل اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی مطرح شده که در آن این موارد اندازه‌گیری می‌شود: (۱) درآمد و رفاه، (۲) امید به زندگی یا متوسط طول عمر، (۳) سواد و آموزش از نظر شاخص توسعه انسانی کشورها به چهار گروه تقسیم می‌شوند. کشور ما در گروه کشورهایی با «توسعه انسانی» بالا قرار دارد.

- عوامل مربوط به شاخص توسعه انسانی -

(الف) میزان درآمد و رفاه: (۱) این عامل جنبه اقتصادی دارد. (۲) به معنای سطح مطلوب زندگی و رفاه اجتماعی است. (۳) منظور این است که اعضای یک جامعه چه میزان از درآمد کافی، شغل مناسب و ... برخوردارند. (۴) امروزه مالکیت ثروت به شدت متمرکز است. ۸۰٪ مالکیت در دست ۲۰٪ کشورهاست. (۵) بیشتر کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی از رفاه بالایی برخوردارند، در حالی که برخی از کشورهای آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین با فقر و کمبود امکانات مواجه‌اند. (۶) زیاده‌خواهی بی‌رحمانه برخی کشورها در عین جان‌سپردن میلیون‌ها انسان از گرسنگی یکی از نشانه‌های بی‌عدالتی در جهان است. (۷) در نیمه دوم قرن ۲۰، ژاپن، چین، سنگاپور، هنگ کنگ، کره جنوبی و مالزی رشد اقتصادی سریعی داشته‌اند. (۸) برخی کشورها، به دلیل بحران سیاسی و جنگ درآمد آن‌ها کاهش یافته است. مثل سوریه و عراق

(ب) امید به زندگی یا متوسط طول عمر: (۱) یعنی تعداد سال‌هایی که انتظار می‌رود کودکی که به دنیا آمده است، عمر کند و زنده بماند. (۲) نشان‌دهنده وضعیت سلامت و بهداشت است. (۳) کشورهایی که به غذای کافی و آب سالم دسترسی دارند و امکانات پزشکی پیشرفته دارند، متوسط طول عمر بیشتری دارند.

(پ) سواد و آموزش: برای پی‌بردن به وضع آموزش در کشورها، معیارهای مختلفی وجود دارد: میزان باسوادی بزرگسالان - میانگین سال‌های تحصیل در یک کشور - تعداد معلم به ازای هر دانش‌آموز

●●● نکته

در عوامل نابرابری، عوامل داخلی مهم‌ترند، زیرا ← اگر مردم یک کشور از سواد و آموزش بالایی بهره‌مند باشند، به استعداد و فرهنگ خود واقف هستند و از لحاظ اقتصادی نیز پیشرفت می‌کنند و می‌توانند از سطح رفاهی بالایی برخوردار باشند و اجازه دخالت در امور داخلی کشور را به سایر قدرت‌ها ندهند و هم‌چنین از اختلافات داخلی جلوگیری کنند و عوامل خارجی را از بین ببرند.

پیامدهای استعمار آفریقا برای این کشور: ۱) تعیین مرزهای ملی در داخل آفریقا موجب کنار هم نگه داشتن دشمنان سنتی با یکدیگر شده که نتیجه آن ایجاد آشوب و اختلافات داخلی است. ۲) رفتار غیرانسانی با جمعیت بومی و نیروی کار و به بردگی کشاندن آن‌ها ۳) تاراج منابع قاره آفریقا ۴) استفاده از بازار پرجمعیت آفریقا برای فروش کالاهای مصرفی خود که موجب پایین آمدن تولیدات داخلی و وابستگی شدید به دولت‌های خارجی شد.

پیامدهای استعمار آفریقا برای کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی: ۱) استفاده رایگان فراوان از منابع غنی و ثروت‌های آفریقا ۲) استفاده از بازارهای پرجمعیت آفریقا برای فروش کالاهای خود ۳) ایجاد بازار تسلیحاتی برای فروش اسلحه به بهانه برقراری صلح و امنیت ۴) تجارت برده و استفاده رایگان از نیروی کار آفریقا

نکته

ایران و کشورهای شمال غربی آن (ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان) که به اروپا نزدیک هستند از شاخص توسعه انسانی بالا برخوردارند، ولی کشورهای شرقی ایران (افغانستان و پاکستان) به علت مشکلات داخلی و خارجی، توسعه انسانی کم دارند.

نکته

مشکلات کشورها با اقتصاد نفتی: ۱) این کشورها با نوسانات در بازارهای جهانی و کاهش قیمت نفت یا رقابت کشورها و مسائل سیاسی تحریم‌ها و ... برای تأمین درآمد خود روبه‌رو می‌شوند. ۲) ضمن این‌که منابع و مواد اولیه و خام رو به اتمام است و وقتی تمام شود ورشکسته خواهند شد. ۳) این کشورها باید به صادرکننده کالا تبدیل شوند و به اقتصاد مبتنی بر صادرات کالا و فروش مواد حاصل از نفت و محصولات پتروشیمی و دیگر محصولات روی بیاورند.

نکته

پیامد پایین بودن سطح سواد: ۱) ناآگاهی از استعدادها و فرهنگ خود ۲) زیر بار حکومت‌های ستمگر و وابسته رفتن مردم کشور ۳) مستعمره شدن توسط کشورهای دیگر ۴) متکی و وابسته بودن به کشورهای قدرتمند ۵) نداشتن رشد صنعتی ۶) نداشتن قانون ۷) پایین بردن سطح و کیفیت زندگی ۸) نبود بهداشت و امکانات رفاهی

نکته

راهکارهایی برای کاهش مهاجرت از روستا به شهر: ۱) کاهش شکاف درآمدی روستا نسبت به شهر ۲) بررسی علمی مناطق روستایی از نظر استعدادسنجی در زمینه تولید و اشتغال ۳) کشف زمینه‌های توریستی و گردشگری روستاها و معرفی آن‌ها ۴) افزایش امکانات رفاهی روستاها از قبیل دسترسی به آب آشامیدنی سالم و مراکز تفریحی

درس نهم: ایرانی متحد و یکپارچه

– ایران در حکومت صفوی –

در ابتدای قرن ۱۰ هجری، خاندانی ایرانی به نام صفویان بر سراسر ایران حاکم شد.

اوضاع سیاسی ایران هنگام تأسیس حکومت صفوی:

- ۱) ایران حکومت واحد و قدرتمندی نداشت و دچار تفرقه و تجزیه شده بود.
- ۲) حاکمان بخش‌های مختلف با هم در جنگ بودند.
- ۳) امنیت و آرامش شهرها و روستاها از بین رفته و امور کشور مختل شده بود.
- ۴) امپراتوری عثمانی در همسایگی ایران بود و سلطان عثمانی خود را خلیفهٔ مسلمانان می‌دانست و به ایران طمع داشت.
- ۵) در شمال شرق ایران (ماوراءالنهر)، ازبک‌ها قدرت گرفته بودند و به مرزهای ایران می‌تاختند.

– شکل‌گیری حکومت صفوی –

- شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مشایخ معروف زمان خود بود که مذهب شیعه داشت.
- خانقاه شیخ صفی در اردبیل مورد توجه مردم و حاکمان محلی بود.
- بعد از مرگ شیخ صفی ادارهٔ خانقاه به فرزندان رسید که بیشتر آن‌ها افرادی با نفوذ و مبارز بودند و برای ترویج و گسترش فرهنگ شیعی تلاش بسیاری کردند.
- نتیجهٔ فعالیت فرزندان شیخ صفی: ایل‌های مختلف ترک که ساکن مناطق شمال و شمال غرب ایران بودند (معروف به قزلباش) به مذهب شیعه گرویدند و مهم‌ترین طرفداران خاندان شیخ صفی شدند.

اقدامات شاه‌اسماعیل صفوی

از نوادگان شیخ صفی بود که در ابتدای قرن ۱۰ ق. به قدرت رسید.

<ul style="list-style-type: none"> ● به کمک نیروی نظامی قزلباش‌ها برخی حکومت‌های محلی در شمال غربی را شکست داد. ● پس از تسلط یافتن بر تبریز خود را شاه ایران خواند. ● پس از تاج‌گذاری، مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. 	اقدامات داخلی
<ul style="list-style-type: none"> ● در شرق: با شکست دادن ازبک‌ها در خراسان (در شرق)، بر سراسر ایران مسلط شد. ● در غرب: سلطان عثمانی که از شکل‌گیری سلسلهٔ قدرتمند، مستقل و شیعه مذهب صفویه ناخشنود بود، با سپاهی عظیم راهی ایران شد. در جنگی که میان سپاهیان دو کشور ایران و عثمانی در چالدران (در نزدیکی شهر خوی امروزی) رخ داد، شاه‌اسماعیل و سربازانش شجاعت زیادی نشان دادند اما سپاه عثمانی به کمک سلاح‌های آتشین مانند توپ و تفنگ که سپاه ایران از آن‌ها بی‌بهره بود پیروز شد. پس از جنگ چالدران، تبریز به اشغال عثمانی‌ها درآمد اما مقاومت و مبارزهٔ مردم آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کرد. 	اقدامات خارجی
<ul style="list-style-type: none"> ● حکومت کشور یکپارچه، مستقل و نیرومند شد. ● قلمرو ایران به حدود قلمرو دورهٔ ساسانیان رسید. ● همهٔ اقوام ایرانی زیر حاکمیت حکومت صفوی رفتند. ● همبستگی و اتحاد ایرانیان بیشتر شد. 	نتیجهٔ موفقیت‌های سیاسی و نظامی او

شاه‌تهماسب: پس از شاه‌اسماعیل، پسرش، تهماسب به حکومت رسید.

اقدامات شاه‌تهماسب: ۱) با سامان دادن به اوضاع داخلی و دفع حملهٔ ازبکان و عثمانی، حکومت صفوی را تثبیت کرد. ۲) پایتخت

را از تبریز به قزوین انتقال داد، زیرا تبریز در معرض هجوم سپاه عثمانی بود. ۳) روابط مسالمت‌آمیزی با کشورهای همسایه و مسلمان خود، برقرار کرد. ۴) برخی فقهای بزرگ شیعه، جایگاهی علمی در ادارهٔ کشور پیدا کردند.

اقدامات شاه‌عباس اول: ۱) حکومت صفوی را به اوج قدرت رساند. ۲) از یک‌ها و عثمانیان را شکست داد و تا پشت مرزهای ایران عقب راند. ۳) پایتخت را از قزوین به اصفهان در مرکز ایران منتقل کرد و برای آبادانی آن بسیار کوشید. ۴) برای تقویت حکومت مرکزی و جلوگیری از نافرمانی و بی‌نظمی سران ایل قزلباش، حکومت ولایت‌ها را از آنان گرفت و به افرادی غیر از قزلباش‌ها سپرد. ۵) کنار سپاه قزلباش، سپاه جدیدی از افراد قزلباش تشکیل داد. ۶) با کمک‌گرفتن از اروپاییان، این سپاه را به تفنگ و توپ مجهز کرد.

سقوط صفویه: ۱) پس از مرگ شاه‌عباس اول، چهار پادشاه دیگر روی کار آمدند. ۲) بعضی از آن‌ها توانایی و لیاقت اداره کشور را نداشتند. ۳) سیاست کشتن و کور کردن شاهزادگان و جلوگیری از حکومت آن‌ها بر ولایت‌ها، باعث شد تا آنان شیوهٔ کشورداری را نیاموزند، در نتیجه صفویه پس از شاه‌عباس اول تقریباً از داشتن پادشاه لایق محروم ماند. ۴) در نتیجهٔ ضعف و بی‌لیاقتی شاهان، مقام‌های کشوری و لشکری دچار درگیری شدند و از انجام مسئولیت‌های خود بازماندند و هرج‌ومرج کشور را فراگرفت. ۵) در چنین اوضاعی گروهی از افغان‌ها در قندهار سر به شورش برداشتند و پس از پیروزی بر حاکم آن ولایت به سوی اصفهان حرکت کردند. ۶) سلطان حسین که در اواخر حکومتش به ضعف و سستی گرایید، نتوانست در مقابل گروه مهاجم مقابله کند و پس از چند ماه محاصره تسلیم شد و محمود افغان، سردستهٔ شورشیان، بر پایتخت و قسمت‌هایی از ایران مسلط شد.

ادارهٔ کشور در زمان صفویان: در زمان صفویان در ایران حکومت قدرتمند مرکزی قرار داشت.

چگونگی ادارهٔ کشور در زمان صفویان	
● همهٔ مقام‌های کشوری و لشکری مطیع فرمان شاه بودند. ● هیچ‌کس اجازه نداشت مخالف خواسته و ارادهٔ او عمل کند.	رأس حکومت: شاه
● مسئول امور اداری و مالی کشور بود. ● در مقابل شاه قدرت و اختیار چندانی نداشت.	بعد از شاه: وزیر بزرگ (اعتمادالدوله)
● در ادارهٔ حکومت صفوی نقش بسیار مهمی داشتند. ● علاوه بر فرماندهی سپاه معمولاً حاکم ولایت‌های مهم نیز بودند.	فرماندهان نظامی

– اروپاییان در راه ایران –

۱) هم‌زمان با به قدرت رسیدن سلسلهٔ صفوی، کشورهای اروپایی، قرون وسطا یا عصر تاریکی در اروپا را پشت سر گذاشته و وارد قرن جدید شده بودند.

۲) «قرن‌های شانزدهم تا نوزدهم میلادی» را در تاریخ اروپا «قرون جدید» می‌نامند.

۳) اروپاییان با ساختن کشتی‌های بزرگ و مجهز به توپ‌های جنگی، سرزمین‌های دیگر را غارت کردند و بخش‌های وسیعی از قاره‌های آمریکا، آفریقا و آسیا را مستعمرهٔ خود کردند.

۴) کشورهای پرتغال، اسپانیا، انگلستان و فرانسه پیشگامان استعمار بودند.

۵) در آستانهٔ تأسیس سلسلهٔ صفوی پرتغالی‌ها جزایر و سواحل جنوبی ایران را تصرف کرده و تجارت خلیج فارس و دریای عمان را در اختیار گرفتند.

۶) شاه اسماعیل به دلیل نداشتن کشتی جنگی نتوانست در برابر پرتغالی‌ها کاری از پیش ببرد اما شاه‌عباس اول از رقابت انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها استفاده کرد و به کمک کشتی‌های جنگی انگلستان، پرتغالی‌ها را از سواحل و جزایر ایران بیرون راند.

۷) انگلستان با اخراج پرتغال زمینهٔ نفوذ خود در ایران را مستحکم کرد.

روابط سیاسی و بازرگانی دوران صفویه: در دوران صفویه و با افزایش اقتدار و امنیت در کشور، تولید و تجارت افزایش یافت و ایران با برخی از کشورهای اروپایی روابط سیاسی و بازرگانی برقرار کرد. در آن زمان اروپاییان شرکت‌های بزرگ تجاری تأسیس کرده بودند و می‌خواستند که روابط تجاری خود را با دیگر کشورها مخصوصاً ایران افزایش دهند و در این مسیر به رقابت می‌پرداختند؛ به همین دلیل، نمایندگانی را برای عقد قراردادهای بازرگانی به کشور ما فرستادند.

در آستانه شکل‌گیری حکومت صفویه، تقریباً ۱۴ حکومت محلی در ایران وجود داشت.

مشکلات حکومت صفوی		
پیامدها و مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی	تهدیدهای خارجی	تهدیدهای داخلی
<ul style="list-style-type: none"> ● از رونق افتادن تجارت ● از بین رفتن ثبات و آرامش سیاسی ● نبود امنیت و آسایش اجتماعی ● رکود و کساد فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری ● تشکیل نشدن حکومت یکپارچه و قدرتمند ● رکود و کساد فعالیت‌های اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> ● حملات و غارتگری ازبکان در مناطق شمال شرق ایران ● توسعه‌طلبی و هجوم امپراتوری عثمانی از غرب برای تسلط بر ایران 	<ul style="list-style-type: none"> ● تفرقه و تجزیه سیاسی داخلی ● اختلاف، درگیری و جنگ‌های داخلی میان مدعیان حکومت و حاکمان داخلی ● نبود اتحاد و انسجام ● بی‌ثباتی سیاسی و گسترش ناامنی در کشور

دلایل سیاسی و نظامی ضعف و فروپاشی حکومت صفوی: آمیزه‌ای از زمینه‌ها، عوامل گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سبب ضعف و سقوط حکومت صفویه شد.

- دلیل سیاسی: برخی از شاهان صفوی بعد از مرگ شاه‌عباس اول، توانایی و لیاقت اداره کشور را نداشتند و سیاست کشتن و کورکردن شاهزادگان باعث شد تا آنها از لحاظ سیاسی شیوه کشورداری را نیاموزند.
- دلیل نظامی: در نتیجه ضعف و بی‌لیاقتی شاهان، مقام‌های کشوری و لشکری دچار اختلاف و درگیری شدند و از انجام‌دادن مسئولیت‌های مهم خود بازماندند؛ بنابراین امور حکومت مختل شد و هرج و مرج کشور را فراگرفت.

آثار و نتایج اقدام‌های اداری و نظامی شاه‌عباس اول:

- ۱ تقویت حکومت مرکزی و گسترش دامنه نفوذ و اقتدار شاه در سرتاسر قلمرو کشور
- ۲ تضعیف قدرت قزلباش‌ها و محدود کردن زمینه‌های خودسری و نافرمانی سران آنها
- ۳ مجهز کردن سپاه غیر از قزلباش‌ها به توپ و تفنگ برای مواجهه با خودسری‌ها و نافرمانی‌ها
- ۴ بیرون‌راندن پرتقالی‌ها از جزایر ایران
- ۵ نگاه‌داشتن شاهزاده‌های صفوی در پایتخت و جلوگیری از شورش آنها که منجر به ضعف و ناتوانی آنها در اداره کشور شد.

در عهد صفویه شهرها و روستاها را تعدادی از صاحب‌منصبان اداری و نظامی اداره می‌کردند که تحت فرمان والی یا حاکم ولایت بودند این صاحب‌منصبان عبارت بودند از:

داروغه: مسئول برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از دزدی، غارت و نزاع در شهر و حومه آن بود.

حاکم شرع: قاضی شهر که به اختلافات و دعاوی حقوقی افراد براساس احکام شرعی رسیدگی می‌کرد.

محاسب: وظیفه داشت بر وزن و نرخ کالاها نظارت کند و از کارهای خلاف شرع جلوگیری نماید.

کلاتر: رابط میان اهالی شهر و اصناف با مقام‌های حکومتی بود و وظیفه داشت مراقبت کند که مالیات‌ها منصفانه میان مالیات دهندگان تقسیم شوند و مأموران حکومتی به مردم اجحاف و ستم نکنند.

کدخدا: وظایف کلاتر را در روستا انجام می‌داد.

انگیزه‌ها و هدف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپاییان از ارتباط با ایران دوره صفوی:

سیاسی: (۱) کشور ایران در آن زمان یک قدرت موثر منطقه‌ای و بین‌المللی بود. (۲) هم‌چنین توانسته بود دشمنان خود (ازبک‌ها و عثمانی‌ها) را به عقب براند، (عثمانی‌ها در آن زمان به اروپا نیز حمله می‌کردند). (۳) اروپاییان برای کاستن حملات عثمانی‌ها درصدد تقویت رابطه با ایران بودند.

اقتصادی: (۱) موقعیت جغرافیایی ایران و قرارگرفتن در مسیر تجاری اهمیت ویژه‌ای به آن می‌بخشید. (۲) راهیابی به خلیج فارس و آب‌های اقیانوس هند و هم‌چنین کشور ثروتمند هند (از لحاظ منابع طبیعی) برای اروپاییان مهم بود. (۳) تجارت و فروش تولیدات تجاری‌شان که پس از انقلاب صنعتی افزایش یافته بود.

فرهنگی: (۱) اشتیاق اروپاییان به شناخت سرزمین‌های دیگر و (۲) تبلیغ مسیحیت از عوامل فرهنگی برقراری ارتباط با ایران است.

درس دهم: اوضاع اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی ایران در عصر صفوی

– درس نامه –

– زندگی اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی –

- زندگی اجتماعی و اقتصادی به دلیل وجود حکومت مرکزی نیرومند و برقراری نظم و امنیت در سراسر کشور رونق داشت.
- بیشترین ساکنان ایران به ترتیب روستاییان و کوچ‌نشینان بودند و کار آنها کشاورزی، دامداری و صنایع دستی بود.
- شهرهای بزرگ و آباد به وجود آمد و شهرنشینی در ایران رونق گرفت. ۱۰ تا ۱۵ درصد مردم در شهر زندگی می‌کردند.
- شهرنشینی بیشتر مقام‌های حکومتی، نظامیان، روحانیون، بازرگانان، پیشه‌وران و صنعتگران بودند.

– شکوفایی صنعت در عصر صفوی –

- پیشه‌وران و صنعتگران ماهر و توانمند ایرانی نیازهای گوناگون جامعه را به خوبی برطرف می‌کردند.
- بخشی از محصولات ایران مانند: خشکبار، پارچه‌های مخملی، ابریشمی و حریر و نیز قالی‌های نفیس به کشورهای همسایه و برخی کشورهای اروپایی صادر می‌شد.
- صنعت بافندگی یکی از صنایع پررونق ایران بود که در کنار رونق صنعت ابریشم در این دوره شکل گرفت و با صنعت نساجی اروپا رقابت می‌کرد.
- کارگاه‌های بافندگی بزرگ و متعددی در دوره شاه‌عباس اول وجود داشت که شاه و اعضای خاندان او مالک بیشتر این کارگاه‌ها بودند. در شهرهای اصفهان، کاشان، یزد، مشهد، استرآباد، (گرگان)، گیلان

- صنعتگران ایرانی در صنایع کاشی، چینی، چوب، جواهر، رنگ، صابون و جنگ‌افزار سنتی پیشرفت کرده بودند.

– رونق تجارت در عصر صفوی –

- ۱) به دلیل یکپارچه‌بودن سرزمین ایران و ۲) وجود نظم و امنیت در سراسر کشور، تجارت داخلی و خارجی پررونق بود.
- وجود شبکه وسیعی از راه‌ها و کاروانسراها در سراسر ایران نشان‌دهنده رونق تجارت و بازرگانی در این دوره است.
- بازارهای بزرگی نیز در شهرها ساخته شد.
- شاهان صفوی مخصوصاً شاه‌عباس اول، برای گسترش تجارت خارجی به شرکت‌های تجاری اروپایی اجازه دادند که در ایران فعالیت کنند.
- صادرات ابریشم که پرسودترین کالای صادراتی بود در انحصار شاه‌عباس قرار داشت.

بعضی از منابع مالی حکومت صفوی :

- ۱) مالیاتی که از کشاورزان و دامداران می‌گرفتند. (از منابع عمده)
- ۲) عوارضی که از کاروان‌های تجاری گرفته می‌شد.
- ۳) درآمد حاصل از صادرات و تجارت محصولات نظیر ابریشم، خشکبار و ...

– شکوفایی علمی و فرهنگی در عصر صفوی –

در این دوران، معماران و مهندسان شهرساز ایرانی، مسجدها، مدرسه‌ها، کاخ‌ها و پل‌های عظیم و باشکوهی ساختند.

علم و آموزش:

- تعلیم و تربیت مورد توجه بسیار بود.
- پادشاهان و مقام‌های کشوری و لشکری علاوه بر آن‌که عالمان بزرگی را از مراکز علمی تشیع در جهان، به ایران دعوت کردند، مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عظیمی به ویژه در پایتخت‌های صفوی ساختند و اموال و املاک بسیاری را وقف آن‌ها کردند.
- توجه به علوم و معارف دینی مانند تفسیر، فقه و حدیث و دیگر شاخه‌های علوم مانند طبیعیات (علوم تجربی)، ریاضیات، ادبیات، فلسفه، طب و نجوم نیز در مراکز علمی تدریس می‌شدند.
- میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی و علامه محمدباقر مجلسی از فیلسوفان و عالمان بزرگ آن روزگار بودند.

● به سبب کم‌توجهی پادشاهان به شاعران، شعر و ادب فارسی مانند دیگر رشته‌ها پررونق نبود، اما دوره صفویه یکی از دوره‌های پربار تاریخ ادبیات شعر فارسی است.

● سبک هندی و شاعران بزرگی مانند صائب تبریزی و بیدل، متعلق به این دوره هستند.

● علم تاریخ مورد توجه قرار داشت و افراد زیادی به ثبت و نگارش وقایع تاریخی می‌پرداختند.

● هنر: ذوق و استعداد هنری ایرانیان شکوفا شد.

● هنرمندان بزرگی در رشته‌های مختلف هنری از جمله معماری، نقاشی، خوشنویسی، کتاب‌آرایی و خاتم‌کاری شهرت یافتند.

– جشن‌ها و آیین‌های ایرانیان –

۱) مردم علاوه بر نوروز و جشن‌های باستانی اعیاد اسلامی قربان، فطر و غدیر را نیز گرامی می‌داشتند. ۲) آیین سوگواری امام حسین (ع) در سراسر کشور به شیوهٔ روضه‌خوانی، سینه‌زنی و تعزیه برگزار می‌شد. ۳) برپایی جشن‌ها و آیین‌ها تأثیر مهمی در همدلی و همبستگی مردم داشت.

سه عامل گسترش تجارت در عصر صفوی:

۱) وجود حکومت یکپارچه و مقتدر امنیت را در راه‌ها برقرار می‌کرد.

۲) توسعهٔ راه‌های ارتباطی و کاروانسراها در سرتاسر کشور و اقامت رایگان بازرگانان و مسافران در آن‌ها

۳) برقراری روابط تجاری با دیگر کشورها

۴) ساختن بازارهای بزرگ در شهرها

نکته

محتشم کاشانی از شاعران و مرثیه‌سرایان برجستهٔ دورهٔ صفویه است. مرثیهٔ جاودانهٔ محتشم کاشانی در سوگ امام حسین (ع) مرثیهٔ «باز این چه شورش است که در خلق عالم است / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است» که با مضمونی مذهبی و حماسی سروده شده است، این مرثیه ماندگارترین شعر در وصف شهدای کربلاست.